



از واقع گرایی لیبرال تا آرمان گرایی انقلابی

یادداشت

مشکلی که از بازرگان و بنی صدر تا به امروز درباره فهم ماهیت شکل گیری نهادهای انقلابی وجود داشته و دارد، دقیقاً بر اساس عدم درک «انسان انقلابی» در چارچوب انقلاب اسلامی برای جهاد در حوزه های مختلف است. در نظام امت-امامت، امام خطوط کلی انقلاب در دوره ها و حوزه های گوناگون را مطرح می کنند؛ به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) درباره ضرورت سازندگی پس از انقلاب و استمرار حضور مردم در این امر صحبت می کنند، سپس از مردم می خواهند که در این زمینه ها وارد میدان جهاد شوند، آنگاه به وسیله جمعی از انسان های انقلاب، طرحی برای سازماندهی نیروی اجتماعی انقلاب تدوین می شود، پس از آن طرح به امام ارائه گردیده و امام پس از ارزیابی، فرمان تشکیل عمومی یک نهاد انقلابی برای شکل دهی به جبهه مبارزات انقلاب در آن زمینه را می دهند. نهضت خمینی (ره) در نهادهای انقلاب اسلامی تداوم پیدا می کند و مردم با سامانی که در این نهادها پیدا می کنند، همچنان در مسیر مبارزه باقی می مانند. با وجود چنین نهادهایی است که حضور مردم فراتر از تعاریف کلاسیک، به متن اداره و پیشبرد امور کشور راه می یابد.

انتظارات انقلابی و وضعیت طاغوتی وزارتخانه ها، موجب نارضایتی شدید امام (ره) از دولت موقت بود و همین موارد موجبات تشکیل و کارکرد ضروری نهادهای انقلابی را مشخص کرد: «ملت عدالت می خواهد، ائاق بزرگ نمی خواهد، ملت وزارتخانه می خواهد، وزارتخانه اسلامی». ایشان خطاب به دولت موقت می فرمایند: «ضعیفید آقا! تا ضعیفید زیر بار اقویا هستید.»

اعتقاد به متمرثربودن نهادهای انقلابی تا به امروز نیز در نظام استمرار داشته ولی با این وجود برخی از دولت ها همچنان به دنبال انحراف افکار عمومی از واقعیت این نهادها و متهم کردن آنها به موازی کاری هستند.

حمایت بسیار از این نهادها، هشدارهایی نیز درباره اقدامات خودسرانه و خارج از قانون به مسئولان این نهادها می دادند. ایشان در دیدار با مسئولان و فرماندهان سپاه پاسداران در روز ۲۶ آذرماه سال ۱۳۵۸ شدیداً به اقدامات خارج از قانون هشدار می دهند: «آنهایی که به اسم اسلام مشغول شده اند به تبلیغات، و به اسم اسلام مشغول شده اند به اعمال سر خودی؛ اینها کرمهایی هستند که باطن این نهضت را به فساد خواهند کشید... یک قدرت اجرایی می خواهد که این اشخاص هر جا یک شلوغی کردند، اینها را بگیرند و محاکمه شان کنند، ... هر کس در هر جا، یک تفنگی داشته دست خودش گرفته، و به اسم «کمیته» و به اسم «پاسدار» و به اسم [بسیج]، هر که هر چه دلش می خواهد، هر کاری دلش می خواهد می کند.»

ولی در عین حال امام خمینی (ره) هرگز اجازه نمی دادند که انقلاب و نهادهای انقلاب از سوی افراد نااهل و مدعی انقلاب، تخطئه شوند. تعارضات پیش آمده در تفسیر انقلاب و انقلابی گری یکی از علل اختلافات دولت موقت و بنی صدر با نهادهای انقلابی و کارکردهای آنها بود. برخورد منفعلانه دولت بازرگان با تحولات انقلاب و عدم سازگاری با خصلت انقلابی، یکی از دلایل اصلی پایان کار آن بود. عاملیت اجرای خط مشی عمومی در پارادایم دولت-ملت، بوروکراسی است. سیاستگذاری انقلابی در چارچوب منظومه «امت-امامت» به دولت به مثابه عاملیت سیاست ها، نقدهایی وارد می کند و خواستار مشارکت مردم در اجرا است. برای نمونه امام (ره) در پیام برای تشکیل نهضت سواد آموزی ماهیت ضدبوروکراتیک نهادهای انقلابی را تصریح می کنند: «اکنون بدون دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده، برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم... و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات به پاخیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری بپرهیزد.»

پس از پیروزی انقلاب، شرایط و تحولات داخلی و بین المللی، رهبران و تشکل های انقلابی از جمله شورای انقلاب را بر آن داشت که برای رفع نیازمندی های انقلاب و دفاع از دستاوردهای تحرک مردمی، بنیانگذاری نهادهای انقلابی را بسیار جدی دنبال کنند. از این رو نهادها و سازمان های انقلابی با تعریفی خاص و با ماهیت انقلابی نشأت گرفته از بطن جامعه و انقلاب با فرمان امام خمینی (ره) تاسیس شدند. اندیشه امام (ره) مبتنی بر «واقع گرایی» (شرایط روز و نیاز فوری به نظام سازی) و «آرمانگرایی» (حاکم کردن ارزش ها و ایدئولوژی انقلابی و دینی) توأمان بود، که دستیابی به آرمان ها را از رهگذر تثبیت، حفظ و افزایش قدرت به وسیله ی نهادهای جدید انقلابی، می دید.

از همان ابتدا، مخالفت هایی از سوی برخی به ظاهر انقلابیون، منافقین و مسئولان با این نهادها شکل گرفت و اتهاماتی نظیر برجسب «موازی کاری» یا «تندروی» را به آنها می زدند. سپاه پاسداران، کمیته ها، دادگاه های انقلاب، بسیج و جهادسازندگی برخی از مهم ترین این نهادها هستند.

از دیدگاه حضرت امام (ره) حفظ پیروزی به دست آمده، از اصل آن دشوارتر است: «...الآن ما در مشکل حفظ نظام جمهوری اسلامی هستیم، ... لکن بقای این پیروزی مشکل تر از خود آن پیروزی است که به دستتان آمد، نگهداریش مشکل است. باید همه کوشش کنید که این چیزی که به دست آوردید نگه دارید.»

از ماه های نخست، بقای پیروزی، در اصطکاک با دولت موقت و سپس دولت بنی صدر قرار گرفت. بازرگان با اعتقاد به ملی گرایی باصلاح اسلامی عملاً محدودیت هایی را برای صدور انقلاب و نظریه ام القرایی ایجاد کرد.

هرچند دولت موقت و بنی صدر در تلاش برای انحلال نهادهای انقلابی بودند اما رهبر کبیر انقلاب ضمن

تقدیم می شود به شهید محسن حججی

امام خمینی (ره):

من وقتی با این چهره ها مواجه می شوم. و این قلبهائی که به واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره ها اثر گذاشته است، احساس حقارت می کنم.

صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۹۱



مواجه امام (ره) و بنی صدر در دو پرده ص ۲

امام (ره) و صبر استراتژیک در برابر دولت موقت ص ۳

رعایت امام (ره) نسبت به فضاوت در مورد اشخاص ص ۴

مواجهه امام(ره) و بنی صدر در دو پرده



مساله... ما این کار را پیگیری کردیم، بیشتر به مدارک زیاد و هولناک رسیدم؛ یعنی خیلی زود فهمیدیم که این یک حادثه نیست... این یک توطئه است، مقدماتی هم دارد و پی آمدهایی، ولی ما خیلی زود فهمیدیم... دو نفر از اعضای دفتر بنی صدر را آنها گرفتند و آنها هم اعترافاتی کردند و این اعترافات مستند بود. این برای کار ما خیلی روشنگر بود. همان جا این کار، ارتباطش با جبهه ملی، با رنجبرها (گروه رنجبران)، با لیبرالهای دیگر، با رجوی و روابطش با خارج کشف شد. ما هرچه پیش می رفتیم، مساله از صورت یک جنایت هم بیرون می آمد. مساله یک توطئه سیاسی بود.» امام(ره) به خوبی از این واقعیات آگاه بود. اما بخشی از مردم و افکار عمومی هنوز طرفدار بنی صدر بودند. امام(ره) می خواست مردم خود درباره بنی صدر تصمیم نهایی را بگیرند. بر همین اساس نیز نهایتاً تنها پس از تصویب عدم کفایت رئیس جمهور توسط نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، حکم به عزل وی می دهد. در صورتی که مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عزل رئیس جمهور توسط رهبری پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، نیز مقدور بود. بعد اخلاقی مواجهه امام(ره) با پدیده بنی صدر اما می تواند در نوع خود، تکان دهنده باشد. یکجا امام(ره) نه در قامت یک سیاستمدار نوین، که در نقش عارفی دلسوز ظاهر می شود و در مراسم تحلیف به رئیس جمهور می گوید: «من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می دهم، که آن یک کلمه تذکر برای همه است: حب الدنيا راس کل خطیئه. هر مقامی که برای بشر حاصل می شود، چه مقامهای معنوی و چه مقامهای مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است.» همچنین در ۲۵ مرداد ماه ۵۹، پس از نجات رئیس جمهور از واقعه سقوط بالگرد، طی پیامی عطفانه به وی می نویسد: «این عنایت معجزه آسا دلیل آن است که شما و همراهانتان در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود. شما، به شکرانه این نعمت بزرگ، زندگانی ثانوی خود را بیش از پیش وقف خدمت به اسلام و کشور اسلامی نمایید.» و در جای دیگر، حتی پس از فرار بنی صدر به فرانسه، طی سخنرانی عمومی در جمع مردم، خطاب به وی می گوید: «من الآن هم نصیحت می کنم آقای بنی صدر را به اینکه نبادا در دام این گرگهایی که در خارج کشور نشستند و کمین کردند بیفتید، و این آبرویی که از دست دادید بدتر بشود. من علاقه دارم که تو بیشتر از این خودت را تباه نکنی... چنانچه توبه کنی و برگردی و علاقه خودت را از این گروههای مفسد، فاسد، جنایتکار، سلب کنی، و در یک کناری بنشین مشغول تصنیف و تالیف بشوی، صلاح تو است!»

امام پس از تصویب عدم کفایت رئیس جمهور توسط نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، حکم به عزل وی می دهد. در صورتی که مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، عزل رئیس جمهور توسط رهبری پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، نیز مقدور بود.

هفتم مرداد ماه، سالروز فرار مردی است که ۱۷ ماه، رئیس جمهور قانونی کشور انقلابی ایران بود. نویسنده کتاب «کیش شخصیت»، گویی در زمان تدوین آن کتاب، مشغول نگاشتن شرح حال آینده خود بودا همه اتفاقات پیرامون بنی صدر، او را در تاریخ انقلاب اسلامی به گزینه ای خاص تبدیل می کند. گونه رفتارشناسی امام(ره) با پدیده بنی صدر را شاید بتوان ذیل دو نگاه کلی «اخلاقی» و «اجتماعی» سامان داد. امام(ره) چنان که بعدها در نامه عزل مرحوم منتظری می نویسد، از ابتدا به خوبی بنی صدر را می شناخت «والله قسم، من رای به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظرات دوستان را پذیرفتم.» با این حال، در عرصه اجتماعی، گویی شخص بنی صدر، هیچگاه مسئله ی امام(ره) نبوده است! برای کسانی که در فضای انتخاباتی سال ۵۸ تنفس می کردند، پیش بینی ریاست جمهوری بنی صدر، کار مشکلی نبود. بنی صدر پس از بازگشت به ایران، جلسات سخنرانی متعددی را در دانشگاه ها ترتیب داده، خود را به عنوان اندیشمندی مسلمان به جامعه معرفی کرده بود. لذا در سطح افکار عمومی انقلابیون، نه تنها بدبینی خاصی نسبت به او وجود نداشت، که شناخته شده ترین فرد در بین ۱۲۴ کاندیدای انتخابات محسوب می شد. اعتقاد امام(ره) به رای مردم در تعیین سرنوشت کشور، مسئله ای تشریفاتی و تصنعی نبود. امام ضروری ترین نیاز کشور در مقطع زمانی مذکور را تشکیل دولت می دانست. انتخابی که تنها، حق و تکلیف مردم بود و هر چه زودتر باید انجام می شد. بر همین اساس، علیرغم اختلافات فکری آشکار، رفتار و مواجهه ی امام(ره) با ابوالحسن بنی صدر پس از برگزیده شدن او به ریاست جمهوری، نه در قامت بنی صدر، که در قامت نماینده ملت ایران است. امام راحل(ره) به جهت افزایش اقتدار دولت و شخص رئیس جمهور منتخب، طی اقدامی در متن حکم انتصاب بنی صدر چنین می فرماید: «در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است جنابعالی به نمایندگی اینجانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است منصوب می شوید.» مرور مراحل مختلف تعامل امام(ره) و بنی صدر، بیش از هر چیزی، نشان دهنده همان واقعیت پیش گفته است: احترام به رای و انتخاب ملت! امام(ره) ابتدا در دیدارهای خصوصی و نهایتاً با تعریض و کنایه رئیس جمهور را از انجام رفتارهای غیرقانونی بیم می داد. آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان وقت کل کشور درباره غائله ۱۴ اسفند ۵۹ می گوید: «بعد از آنکه جریان ۱۴ اسفند پیش آمد و من روی جهاتی کشیده شدم به آن

جنایت تروریست ها در میرزا اولنگ افغانستان

مرداد ماه طالبان با حمله به منطقه میرزا اولنگ شهرستان صیاد ولایت سرپل بیش از ۵۰ غیر نظامی را از خانه ها بیرون برده و به صورت گروهی تیرباران کردند.

گفته می شد در این درگیری ها شبه نظامیان طالبان و افراد داعش منطقه استراتژیک «میرزا اولنگ» ولایت سرپل را پس از ۴۸ ساعت درگیری با نیروهای دولتی تحت کنترل خود درآوردند. پس از آنکه شبه نظامیان بر منطقه میرزا اولنگ مسلط شدند بیش از ۵۰ غیر نظامی را به صورت گروهی تیرباران کردند که به نحوی خطرناک ترین و اسفبارترین کشتار عمومی طی ۱۶ سال اخیر در افغانستان است.

کابینه دوازدهم معرفی شد

رئیس جمهوری در نامه ای اسامی ۱۷ وزیر پیشنهادی دولت دوازدهم را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد.

حجت الاسلام و المسلمین روحانی در اجرای اصل ۱۳۳ قانون اساسی و ماده ۱۸۸ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اسامی وزرای پیشنهادی را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. در نامه معرفی رئیس جمهوری زندگینامه، برنامه وزیران پیشنهادی برای رای اعتماد و خط مشی دولت دوازدهم به مجلس شورای اسلامی آمده است. همچنین مشعود پزشکبان گفت که گزینه پیشنهادی وزارت علوم را دولت بعدا اعلام می کند.

انتصاب رئیس و دبیر و اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی رئیس، دبیر و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای یک دوره پنج ساله منصوب کردند.

طی این حکم آیت الله هاشمی شاهرودی به عنوان رئیس و آقای محسن رضایی به عنوان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب گردیده اند.

تصویب جزئیات طرح مقابله با اقدامات ماجراجویانه آمریکا

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی طرح «مقابله با اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» با ۲۲۸ رای موافق، ۱ رای مخالف، ۲ رای ممتنع از مجموع ۲۴۰ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس جزئیات این طرح را تصویب کردند.

فنا امام

همچو غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است که گمان می کنند غیر از غرب هیچ خبری در هیچ جا نیست. و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشأ اکثر بدبختیهای ملتها و ملت ماست.



امام(ره) و صبر استراتژیک در برابر دولت موقت

که پیوسته با آن روبه رو بودیم و آن این بود که رئیس دولت موقت به ما می گفت اگر این ها را قبول نکنید من ناچارم استعفا بدهم. حالا شما ببینید وضعیت ما در مقابل تهدید استعفا از طرف رئیس دولت موقت آن هم بیست روز بعد از تشکیل دولت، چگونه است.»

الهی که رابطه ما با آمریکا به خطر بیفتند!

در همین شرایط اما امام(ره) از هر فرصتی برای روشن کردن ماهیت آمریکا و رابطه با دولت ایالات متحده برای عموم مردم استفاده می کند. به عنوان مثال، به مجلس سنای آمریکا ضمن اعتراض به برخی احکام صادره از سوی دادگاه های انقلاب در مورد سران رژیم پهلوی تهدید می کند که چنانچه این روند ادامه یابد روابط ایران با آمریکا به خطر خواهد افتاد، حضرت امام(ره) با صراحت اعلام موضع کرده، می فرمایند: «الهی که به خطر بیفتند، ما روابط با آمریکا می خواهیم چه بکنیم. روابط ما با آمریکا روابط یک مظلوم با یک ظالم است، روابط یک غارت شده با یک غارتگر است.»

روز سه شنبه اول آبان ماه ۱۳۵۸ اما پس از آنکه شاه به پنهان معالجه وارد آمریکا می شود، روابط ایران و آمریکا، تحولات دیگری را تجربه می کند. همزمان با محکومیت شدید این اقدام آمریکا از سوی امام(ره) و شورای انقلاب و در یحیویه تظاهرات اعتراضی توده مردم، مرحوم بازرگان می گوید: «آنها می گویند این کار جنبه صرفا انسانی داشته و به هیچ وجه از شاه استفاده سیاسی به عمل نخواهد آمد و مذاکرات سیاسی نیز با وی انجام نمی گیرد!» ۸ روز بعد، روابط ایران و آمریکا باز هم تحول جدیدتری را تجربه می کند. مهندس بازرگان همراه با هیئتی بلندپایه به منظور شرکت در بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر به این کشور سفر کرده است. در حاشیه این اجلاس و پیرو هماهنگی قبلی سفارت آمریکا در تهران، مهندس بازرگان با برژینسکی، معاون امنیت ملی کارتر یک دیدار دو ساعته پشت دره های بسته ترتیب می دهد. حال آنکه همزمان در پیام امام به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد قیام مردم الجزایر، آمده است: «سران و نمایندگان کشورهایی که در الجزایر جمع شده‌اید بیایید متحد شویم و دست جنایت کاران چپ و راست که در راس آنها امریکاست قطع نموده و اسرائیل را از ریشه برکنیم.»

در تهران اما اتفاق بزرگ دیگری در راه است و ۴ روز بعد، دانشجویان انقلابی پیرو خط امام(ره) اقدام به تسخیر سفارت آمریکا می کنند. مسئله ای که مرحوم هاشمی رفسنجانی، آن را بی ارتباط با دیدار بازرگان نمی داند: «این اقدام یک اعتراض علیه دولت تلقی می شد. فکر می کنم آن زمان موضوع سفر مهندس بازرگان عاملی برای آن اقدام بود.» مهندس بازرگان بلافاصله واکنش نشان می دهد و در روز چهاردهم آبان ماه، با تقدیم استعفانامه خود به محضر امام خمینی(ره) از ریاست دولت کناره گیری می کند. استعفایی که البته این بار مورد موافقت قرار می گیرد. بازرگان البته در متن استعفانامه اش هیچ اشاره ای به مسئله تسخیر لانه جاسوسی نمی کند تا بعدها اینچنین عصبانیت خود را از اقدام دانشجویان بروز دهد: «اسم خودشان را می گذارند خط امام. خط شیطانند اینهایی که افشا می کنند. آخر فلان فلان شده‌ها... بی شرفند اینهایی که می گویند ما با آمریکا راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم اینها [دانشجویان پیرو خط امام] ضدانقلابند. مامور همان آمریکا یا شوروی اند که می خواهند اختلاف بیندازند.»

امام خمینی(ره) در واکنش به این موضع گیری ها، در یکی از سخنرانیهای خود ضمن تأیید کامل حرکت دانشجویان، می فرمایند: «خطر این بود که قضیه مرگ بر آمریکا منسی [فراموش] شود لهذا دیدید که این جوانهای بیدار و عزیز ما، این لانه جاسوسی را گرفتند. این شیاطین به دست و پا افتادند. یکی گفت: اینها خط شیطان هستند. قضیه گرفتن این محل جاسوسخانه ناگوار بود برای آنها. برای این که پرونده اینها ظاهر می شد. اینها، این جوان های عزیز ما که می گفتند ما در خط اسلام هستیم، بهشان می گفتند که شما در خط شیطان هستید.» بعدها انتشار اسناد لانه جاسوسی، ارتباط ارگانیک برخی اعضای نهضت آزادی و آمریکا را مشخص تر می کند. اقدامات بعدی نهضت آزادی در مخالفت با حکم ارتداد سلمان رشدی، حمایت از غیرانسانی خواندن حکم قرآنی قصاص و ... نهایتاً زمینه حذف کامل آنها از سپهر سیاسی انقلاب اسلامی را فراهم می کند.

شرایطی که موجب می شود امام(ره) نهایتاً در پاسخ به استفسار وزیر کشور وقت در سال ۱۳۶۶ در خصوص مجوز فعالیت نهضت آزادی، حرف آخر را بزند: «ضرر آن‌ها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند، از ضرر گروهک‌های دیگر حتی منافقین، این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است... و باید با آن‌ها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند.» هر چند، امام(ره) پیش از این نامه تاریخی نیز گفته بود: «اگر چنانچه دولت ما مثل سابق [دولت موقت] باشد و آن طور وضع و آن طور دید را داشته باشد ما باید عزای این نهضت را بگیریم.»

اولا کجا برود؟ شاه رفتنی نیست، به فرض برود، با آمریکا و ارتش چه می کنید؟ فکر این دو رکن را کرده اید؟» حضرت امام(ره) با تبسم می فرمایند: «شما بگویید شاه باید برود، با مردم هم صدا بشوید، وقتی رفت، ارتش فرزندان همین مردم اند، به دامن انقلاب برمی گردند، آمریکا هم گورش را گم می کند. شما غصه اینها را نخورید، شما موضع ملت را بپذیرید که شاه باید برود.»

بازرگان اما نمی خواست باور کند. او حتی در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب و پس از برگزیده شدن به ریاست دولت موقت از سوی امام(ره) نیز، پس از آنکه بختیار از برخورد با وی سخن می گوید، پاسخ می دهد: «امیدوارم مشکلات از طریق مذاکرات حل شود و کار به مراحل خطرناک کشیده نشود!» این در حالی بود که امام(ره) در نخستین روز ورودش به کشور، در بهشت زهرا(س) فرمود: «من دولت تعیین می کنم، من توی دهن این دولت می زدم.»

امام(ره) البته به خوبی بازرگان را می شناخت و هرگز به انتخاب وی به ریاست دولت موقت راضی نبود. آنچنان که بعدها در نامه معروف عزل مرحوم منتظری می نویسد: «والله قسم، من با نخست وزیری بازرگان مخالف بودم... در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم.» تقابل عملیاتی مرحوم بازرگان با دیدگاه توده مردم و رهبر انقلاب اما پس از پیروزی انقلاب نیز خیال توقف نداشت. مهندس بازرگان یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مصاحبه با خبرنگار نیویورک تایمز می گوید: «دولت ایران مشتاق است روابط خوب خود با آمریکا را از سر بگیرد.» وی در همان مقطع، بار دیگر تأکید می کند: «ما روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم روابط دوستانه‌مان را با ایالات متحده و تمامی کشورهای جهان حفظ نماییم.» او البته پس از استعفا از نخست وزیری هم بر مسئله دوستی با آمریکا تأکید دارد و می گوید: «ما روابط دوستانه‌ای با آمریکا داشته‌ایم! باید آن را حفظ کنیم.»

امام(ره) اما در تمام ۹ ماه نخست وزیری بازرگان، ضمن معرفی خط فکری صحیح در زمینه رابطه با آمریکا، به دلیل شرایط خاص کشور، بر تداوم نخست وزیری بازرگان صحنه می گذارد. رهبر معظم انقلاب در زمینه مباحثات مشابه شورای انقلاب با بازرگان می گوید: «ما می گفتیم مثلاً فلان وزیر را قبول نداریم و مواجه می شدیم با یک پاسخ

تحولات روزهای آغازین هر انقلاب آندر سریع هست که کنترل و مدیریت آن از عهده کمتر کسی ساخته باشد. در چنان فضای، تنوع دیدگاه های فکری انقلابیون، طبیعتاً می تواند سختی مدیریت شرایط را چندین برابر کند. از این نظر، انقلاب اسلامی ایران را شاید به لحاظ تعدد طیف های متنوع مخالف حکومت پهلوی، بتوان یک استثنا دانست. به تبع همین شرایط متکثر است که مدیریت نخستین دولت جمهوری اسلامی به مدت ۹ ماه در اختیار جریانی قرار می گیرد که بعدها تفاوت های فکری عمیقی با مبانی حرکت انقلابی توده مردم و رهبری از خود بروز می دهند. مهدی بازرگان سالها پس از استعفايش از نخست وزیری دولت موقت در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت»، عمق تفاوت های فکری خود و امام(ره) را ترسیم کرده، می نویسد: «هدف اتخاذی دولت موقت، خدمت به ایران از طریق اسلام و به دستور اسلام بود؛ در حالی که آقای خمینی برای انقلاب و برای رسالت خود خدمت به اسلام از طریق ایران را اختیار کرده بودند.»

تفصیح در متن این عبارت و برداشت مرحوم بازرگان، از آن رو اهمیت دارد که وی رویکرد دولت موقت را منبعث از تعالیم اسلامی معرفی می کرد. بر این اساس، مرور نوع مواجهه امام(ره) با جریان دولت موقت، می تواند واجد جذابیت های خاصی باشد. علی الخصوص اینکه تفکر نهضت آزادی بعدها در قالب اسامی، احزاب و جریانات مشابه دیگری همچنان تا به امروز در جامعه ما تداوم یافته است. علی رغم آنکه دولت موقت و نهضت آزادی نزدیکی زیادی به جبهه ملی و مشاهده خیانت آمریکا در جریان کودتای ۲۸ مرداد علیه دولت مصدق داشت اما مشحون از اعتماد و خوش بینی مفرط به آمریکا بود. بازرگان بیشتر به مخالفت با شوروی می اندیشید، ولی تقابل با آمریکا برایش قابل تصور هم نبود. او حتی به احتمال سرنگونی شاه-که مورد حمایت آمریکا بود- باور نداشت. بر همین اساس، او پیش از انقلاب سعی داشت امام(ره) را نیز از فکر سرنگونی شاه منصرف سازد.

سرنگونی شاه، محال است!

بازرگان اواخر مهر ۵۷ وقتی در پاریس خدمت امام(ره) می رسد، در حضور ایشان سه انگشتش را جلوی امام(ره) گذاشته می گوید: «آقا! ایران سه رکن دارد: شاه، ارتش و آمریکا. شما می گویند شاه برود،



کلید واژه

#عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

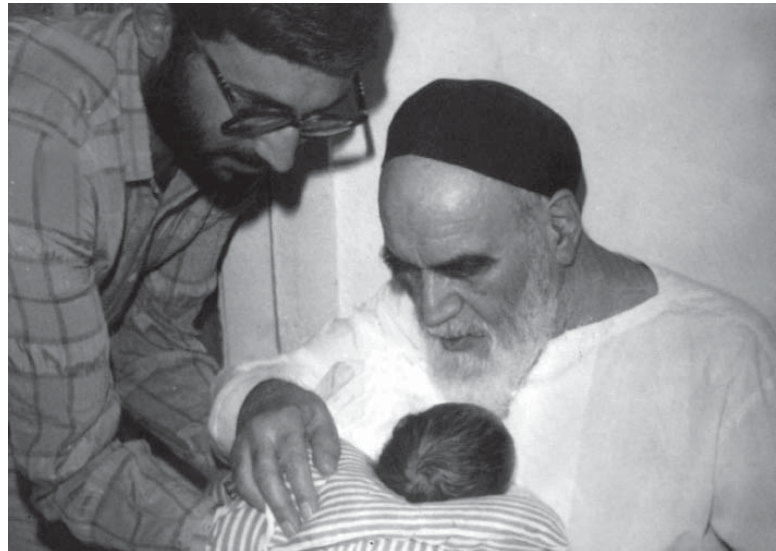
شهادت در قهقهه مستانه‌شان و در شادی ووصلشان عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ اند؛ و از نفوس مطمئن‌های هستند که مورد

خطاب فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد. و السلام.

خدمت به ملت

از حالا به بعد شما در خدمت ملت باشید. ملت خودتان را خدمت نکنید. این آب و خاک مال شماست. اینجا مال خودتان باید باشد. دست این اجانب باید کوتاه بشود. چقدر امریکا باید از این مملکت ببرد و بخورد یا انگلستان یا سایر جاها؟ ما باید یکوقت هم زنده بشویم، بیدار بشویم، ملتفت بشویم، آزادی را بگیریم.

صحیفه امام خمینی جلد ۶ ص ۷۵



معرفی کتاب

درس اخلاق

در کلام دیگری امام خمینی عرض می کنند محکم باشید آقا! جوانهای ما محکم بایستند ما همه سرباز خدا هستیم ان شاء الله نه تو سرباز منی نه من سرباز تو همه ما با هم قیام کردیم که اسلام را در اینجا زنده کنیم وان شاء الله به سایر جاها صادر کنیم و همه برادر باهم هستیم. دوست باهم هستیم و امیدواریم که همه ما دوش به دوش هم هرکس هر مقداری که می تواند خدمت کند منی که یک پیرمرد ضعیف هستم صحبت بکنم برای شما.



کتاب امام به روایت امام به کوشش غلامعلی رجایی و چاپ و نشر موسسه عروج کتابی است که به ابعاد مختلف امام خمینی (ره) اشاره کرده است و در مقدمه این کتاب ذکر شده است که امام خمینی (ره) با قیام الهی خود در عصر غربت انسانیت و ظلمت جهل و کفر بت ها را شکست و دریچه های نور را به روی انسانهای دردمند و منتظر گشود. در زمره این افراد بزرگ مردانی هستند که شناخت ابعاد وجودی آنها به سادگی میسر نیست. کتاب امام به روایت امام از لایه لای سخنان امام برگرفته شده است و بیشتر قسمت های کتاب از صحیفه نور امام خمینی (ره) اقتباس شده است.

بخش هایی از کتاب امام به روایت امام :

من امری ندارم بعضی از اقایان می گویند که اگر تو امری داشته باشی ما در اطاعتش حاضریم اقایان بدانند من امری ندارم امر امر من نیست امری که الان همه ی ما مبتلا به هستیم و همه باید اطاعت کنیم امر خداست که بندگان او هستیم .

رعایت امام(ره) نسبت به قضاوت در مورد اشخاص

یکی از چیزهایی که در همین زمینه [مسئله ی محاسبات معنوی و الهی در خط امام] وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همه ی امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهمتر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه میگوئیم؟ اینجا تقوا اثر میگذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره ی او چگونه قضاوت میکنید؟ اگر قضاوت شما درباره ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده ی تقواست. آیه ی شریفه ای که اول عرض کردم، تکرار میکنم: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ اینجوری حرف بزنیم. من میخواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف میزنند، مینویسند، اقدام میکنند؛ کاملاً رعایت کنید. اینجور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد. من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست - نمیخواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه میشناسند - امام یک تأملی کردند، گفتند: نمیشناسم. بعد هم یک جمله ی مذمت آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتیم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستیم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمیشناسم». یعنی آن جمله ی مذمت آمیزی را که بعد از «نمیشناسم» گفته بودند، پاک کردند.

رهبر معظم انقلاب / ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

امام به روایت دیگران

را می نوشتم. من کنار امام بودم، امام مرتب مشتشان را می زدند روی پایشان، برای اینکه تلویزیون ما داشت رزمندگان را نشان می داد، صحنه های جنگ را نشان می داد؛ اما امام با آن روحیه آمده بودند (قطعنامه) را قبول کرده بودند و در آن نامه ای که امام (قطعنامه) را نوشته بودند فرمودند: خانواده شهدا، خانواده اسراء، من تا به حال جنگیدم و در جنگ، عقیده ام این بود که به نفع شماست؛ امروز این عقیده را ندارم و قطعنامه ۵۹۸ را قبول می کنم.

تلخ ترین خاطره عمر امام به روایت مرحوم سید احمد خمینی



«شما روحیه امام را در نظر بگیرید چه روحیه عزیزی است، وقتی در معادلات به این نتیجه رسیدند که باید (قطعنامه) را قبول کنند گفتند: من جام زهر قطعنامه

صاحب امتیاز: بنیاد تبیین اندیشه های امام خمینی (ره) در دانشگاه ها

مدیر مسئول: محمود دود حیدری

سر دبیر: حسین زیاری

هیأت تحریریه: نرگس اکبری، امیر جعفری، زهرا محسنی فرد، حسن رضایی